فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و سوم، زمستان ۱۳۹۹ - صفحات ۱۱۹-۸۹

تأثیر کیفیت نهادی دولت و نوع سیستم‌های مالی روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

مینا خیاط رسولی[۱]
رویا آل‌عمران [۲]
نادر مهرگان [۳]
پرویز محمدزاده[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

چکیده

این مطالعه در تلاش است تا متغیرهای تأثیرگذار روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، کیفیت نهادی دولت و نوع سیستم‌های مالی است. رشد اقتصادی کشورهای اسلامی ایران، الجزایر، اندونزی، بنگلادش، بحرین، پاکستان، قزاقستان، لبنان، مالزی، نیجریه، عمان و تونس با داده‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۷ و با استفاده از رویکرد خود رگرسیون برداری پانل (PVAR) با شاخص‌های کیفیت نهادی دولت و شاخص‌های سیستم‌های مبتنی بر بانک و بازار مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به یافته‌های تحقیق، از بین این شاخص‌ها، کیفیت نهادی دولت و سیستم مالی مبتنی بر بانک بیشترین تأثیرگذاری را روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب در بازه‌ی مورد بررسی دارند. به‌طوری‌که در بلندمدت، کیفیت نهادی دولت و سیستم مالی مبتنی بر بانک ۳/۴۴ ، ۲/۰۶ درصد از تغییرات رشد اقتصادی را توضیح می‌دهند. باتوجه به یافته‌های مطالعه توجه اساسی به توسعه‌ی سیستم مالی مبتنی بر بانک و بالابردن کیفیت نهادی دولت در این کشورها امری ضروری است.

کلمات کلیدی: کیفیت نهادی دولت، کشورهای اسلامی، رشد اقتصادی، سیستم‌های مالی

---

[۱] دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران rasouli.helia@yahoo.com

[۲] دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) roya.aleemran@gmail.com

[۳] استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران mehregannader@yahoo.com

[۴] استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، ایران pmpmohamadzadeh@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

طبقه‌بندی JEL: C33 ,G21,G38 , E52

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مقدمه

رسیدن به رشد اقتصادی و حفظ آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی در هر دوره از زمان است. به‌عبارتی تفاوت درآمد سرانه و رشد اقتصادی و علت این تفاوت‌های فاحش در کشورهای مختلف، همواره مورد توجه اقتصاددانان قرار می‌گیرد. اخیراً توجه اقتصاددانان به نقش عوامل نهادی در رشد و توسعه اقتصادی معطوف شده است. به عقیده اقتصاددانان نهادگرا، در عصر حاضر، نهادها مهم‌ترین عامل رشد و توسعه اقتصادی هستند. یکی از متغیرهای کلیدی نهادها، حاکمیت قانون است که امروزه بیش از پیش مورد توجه حقوق‌دانان و اندیشمندان اقتصادی قرار می‌گیرد و این ادعا که کشوری بدون وجود حاکمیت قانون، نظامی حقوقی به‌معنای امروزی نیست، مورد قبول واقع شده است (عبادی و نیکونسبتی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، تنظیم روابط بین دولت و مردم، و مردم با یکدیگر، از مهم‌ترین کارکردهای قانون به حساب می‌آیند و با پیچیده‌ترشدن تعامل‌ها، نقش قانون و حاکمیت قانون که از شاخص‌های مهم کیفیت نهادی است، برجسته‌تر می‌شود. کیفیت نهادی یا حکمرانی خوب از مهم‌ترین مباحث در نهادهای بین‌المللی فعال در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی است. در حال حاضر، اعتقاد عموم بر این است که حکومتی خوب که مطابق با اصول مشارکت دموکراتیک باشد و قدرت نهادینه شده را به‌صورت مشروع و طبق قانون اعمال کند، موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌سازد (مبارک و همکاران، ۱۳۹۷).

در کنار کیفیت نهادی دولت به بررسی تأثیر سیستم مالی بازار محور و بانک محور روی رشد اقتصادی می‌پردازیم. تئوری بانک محور به نقش مهم و کلیدی بانک‌ها در رشد اقتصادی و نقاط ضعف سیستم مالی بازار محور در این زمینه اشاره دارد. براساس این نظریه در کشورهای در حال توسعه تأثیرگذاری بانک‌ها بیش از بازار سهام روی رشد اقتصادی و به‌دنبال آن توسعه اقتصادی است. طبق این نظریه بانک‌هایی که از نظر قانونی با محدودیت مواجه نیستند و می‌توانند اطلاعات کامل دریافت کرده و از صرفه‌های نسبت به مقیاس نیز استفاده کنند، می‌توانند تأثیر بیشتری روی رشد اقتصادی داشته باشند. به‌عبارتی سیستم مالی بانک محور نسبت به بازار محور شرایط بهتری در مقابله با مشکلات بنگاه‌های تولیدی دارد.

از طرفی سیستم مالی بازار محور به عملکرد مثبت بازار در زمینه رشد اقتصادی و نقاط ضعف بانک‌ها می‌پردازد. طبق این نظریه بازار سهام بازار بزرگی است که قدرت نقدشوندگی بالایی دارد و از این طریق می‌تواند انگیزه‌های کسب سود را افزایش داده و مدیریت ریسک را تسهیل کرده و منجر به رشد اقتصادی گردد. براساس این نظریه سیستم مالی بازار محور ناکارآیی‌های ذاتی بانک‌ها را کاهش می‌دهد و در نهایت عملکرد بهتری نسبت به بانک دارد (شکروی و خضری، ۱۳۹۶).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که میزان تأثیرگذاری کدام سیستم مالی روی رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه بیشتر است؟ هدف این مطالعه بررسی میزان کیفیت نهادی دولت‌های اسلامی و سیستم‌های مالی آنها بر رشد اقتصادی‌شان برای داده‌های سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۷ است. در این مطالعه از داده‌های کشورهای ایران، الجزایز، اندونزی، بنگلادش، بحرین، پاکستان، قزاقستان، لبنان، مالزی، نیجریه، عمان و تونس استفاده شده است که علت انتخاب این کشورها بزرگی و در دسترس بودن داده‌های آماری آنهاست. سازماندهی مباحث مقاله به‌صورت زیر است: پس از مقدمه، مبانی نظری تحقیق در قسمت دوم ارائه شده، در بخش سوم پیشینه تحقیق بیان شده و بخش چهارم و پنجم به معرفی الگوی تجربی تحقیق، تخمین و تفسیر نتایج اختصاص داده شده و سرانجام خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری

۱. سیستم‌های مالی و رشد اقتصادی

رشد اقتصادی از مهم‌ترین راه‌های کاهش عقب‌ماندگی کشورهاست. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که برای رسیدن به توسعه‌یافتگی، باید روی توسعه مالی و سیستم‌های مالی متفاوت تمرکز داشته باشیم. پس از دهه‌ی هفتاد، از جمله محورهای اصلی ادبیات توسعه مالی، رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی بیان شده است. باتوجه به این ادبیات، سهم عمده‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی به بخش مالی ارتباط دارد. این بخش در تخصیص منابع به همه بخش‌های اقتصادی، نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند و از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و نیز تشویق پس‌اندازها و استفاده بهینه از آنها منجر به رشد و توسعه‌ی بلندمدت اقتصادها می‌شود. درکنار ادبیات توسعه مالی نظریه‌های رشد کلاسیک‌های جدید از جمله لوکاس، رومر، ریبلو، گراسمن و هلپمن وجود دارند که آنها نیز به اهمیت تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. از نظر این اقتصاددانان توسعه‌ی مالی از دو طریق روی رشد اقتصادی و به‌دنبال آن توسعه‌ی اقتصادی اثر می‌گذارد: ۱) انباشت سرمایه ۲) ابداعات و تکنولوژی. ازطرفی، برخی از تئوری‌ها و نظریه‌های اقتصادی معتقدند که رشد اقتصادی می‌تواند با افزایش ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری، بر میزان اشتغال نیز تأثیرگذار باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توسعه مالی به‌صورت مستقیم بر رشد اقتصادی و به‌صورت غیرمستقیم بر افزایش اشتغال تأثیرگذار است (فتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

یکی از ارکان اصلی توسعه مالی، سیستم‌های مالی است که بدون آن یک اقتصاد مدرن قادر به فعالیت نیست. سیستم‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار هدایت‌کننده منابع مالی از بخش غیرمولد به بخش مولد و تولید هستند. بنابراین نقش مهم و حیاتی در سرمای‌گذاری، صنعتی‌شدن، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، تثبیت متغیرهای پولی و مالی دارند و در کل منجر به بهبود رفاه کل جامعه می‌شوند. این سیستم‌ها به حدی در بحث‌های اقتصادی مهم و تأثیرگذار هستند که از آنها به‌عنوان شاهرگ اقتصاد یا جریان‌های اصلی اقتصاد یاد می‌شود. سیستم‌های مالی کارآمد می‌توانند موانع تأمین مالی خارجی را کاهش دهند و با تسهیل شرایط، امکان دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی را به سرمایه‌های خارجی افزایش دهند. این امر هم منجر به افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود و هم زیرساخت‌های رشد اقتصادی کشورها را فراهم می‌سازد. سیستم‌های مالی دارای دو وظیفه مهم هستند: ۱) وساطت مالی ۲) فراهم کردن وسیله‌ی پرداخت بین افراد و اقتصاد و امکان انتقال وجوه را از وام دهنده (دارای مازاد پس‌انداز) به وام‌گیرنده (دارای کسری پس‌انداز). نهادها و سیستم‌های مالی سعی می‌کنند با ایجاد بازارهایی برای دو نوع از اوراق بهادار (یکی وام‌دهنده و دیگری وام‌گیرنده) شکاف بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده را از بین ببرند. به‌عبارتی، سیستم‌های مالی قادر به افزایش جریان پس‌اندازها و وام‌ها و به دنبال آن افزایش سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد هستند و می‌توانند میزان تقاضای کل را افزایش دهند. ازطرفی، می‌توانند سود خود را ازطریق دریافت بهره و ارائه‌ی خدمت به وام‌گیرندگان افزایش دهند (ذوالقدر و همکاران، ۱۳۹۸).

۲. سیستم مالی مبتنی بر بانک (بانک محور) و سیستم مالی مبتنی بر بازار (بازار محور)

می‌توان سیستم‌های مالی را به سه مورد تقسیم کرد: ساختار یا سیستم مالی مبتنی بر بازار و بانک و خدمات. در این مطالعه تمرکز ما روی سیستم مالی مبتنی بر بانک (سیستم مالی بانک محور) و سیستم مالی مبتنی بر بازار (سیستم مالی بازار محور) است.

سیستم مالی مبتنی بر بانک

دراین نظام، وابستگی شدید شرکت‌ها به بانک‌ها (جهت تأمین مالی‌شان) وجود دارد. در سیستم مالی مبتنی بر بانک (سیستم مالی بانک محور)، بانک‌ها نقش انحصاری دارند و وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را به مشتریان ارائه داده و خدمات بانکی از جمله بانکداری تجاری، بانکداری سرمایه‌گذاری و تخصصی را در اختیار عموم قرار می‌دهند. از طرفی سیستم مالی مبتنی بر بانک به ایرادات سیستم مالی مبتنی بر بازار اشاره می‌کند و معتقد است که بازارهای توسعه یافته، اطلاعات را با سرعت و علناً فاش می‌کنند که این امر باعث کاهش انگیزه تحقیق و پژوهش و کاهش بودجه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

اختصاص‌یافته به امر پژوهش، برای سرمایه‌گذاران فردی می‌شود. در این مورد بانک‌ها می‌توانند از طریق خصوصی‌سازی اطلاعات، از بنگاه‌های نوآور و مبتکر حمایت کنند و با ایجاد ارتباط بلندمدت با این بنگاه‌ها، این مشکل را تا حدی تعدیل کنند. در حالت کلی در سیستم مالی مبتنی بر بازار، عدم‌تقارن اطلاعات بیش از سیستم مالی مبتنی بر بانک است. بانک‌ها از طریق کاهش مخاطرات اخلاقی (با افزایش نظارت بر شرکت‌ها و بنگاه‌ها) می‌توانند روند مناسب‌تری در تخصیص منابع و مدیریت نسبت به بازارها داشته باشند. از طرفی طرفداران سیستم مالی مبتنی بر بانک معتقدند که بازارها با درجه نقدشوندگی بالا، سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاران کوته‌نظر تبدیل می‌کنند. درجه نقدشوندگی بالا امکان خروج آسان سهام‌داران را میسر ساخته و انگیزه کنترل شدید روی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاران با کاهش انگیزه کنترل شرکت‌های بزرگ، ممکن است سهام خود را ارزان بفروشند. از طرفی سهام‌داران کوچک نیز انگیزه به‌دست‌آوردن سود از نگه داشتن سهام را از دست می‌دهند. از نظر سیستم مالی مبتنی بر بانک، توسعه بازار منجر به کاهش کنترل شرکت‌های بزرگ و به‌دنبال آن منجر به کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شود (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶).

سیستم مالی مبتنی بر بازار

این سیستم به مزیت‌های استفاده از بازارهای با عملکرد خوب اشاره می‌کند و مشکلات سیستم مالی مبتنی بر بانک را بیان می‌کند. در سیستم‌های مبتنی بر بازار، بازارهای سهام نقش وسیع‌تری دارند و بخش قابل‌توجهی از نیازهای مالی شرکت‌ها را (به جای استقراض از بانک‌ها) تأمین می‌کنند. بازارها از طریق خرید سهام شرکت‌های بزرگ، روی این شرکت‌ها کنترل داشته و از طرفی از طریق فراهم کردن ابزار مدیریت ریسک، تحریک کسب اطلاعات، افزایش سرمایه و ارز نقش مهمی در رشد اقتصادی بازی می‌کنند. بازارهای سهام قدرت نقدشوندگی بالایی دارند و در این بازارها کسانی که اطلاعات ارزشمندی دارند، به سرعت می‌توانند با معامله این اطلاعات سود به‌دست آورند. این امر باعث تحریک شرکت‌کنندگان جهت کسب اطلاعات در مورد شرکت‌ها می‌شود. بازارهای بزرگ و کارا، دارای رشد سریع‌تری هستند و انگیزه بیشتری برای به‌دست‌آوردن سود دارند. این بازارها با بهبود اداره امور شرکت‌ها و تسهیل مدیریت ریسک، عملکرد خوبی از خود نشان می‌دهند (لوئین،۲۰۰۲). از طرفی دیدگاه سیستم مالی مبتنی بر بازار، به مشکلات بانک‌ها اشاره می‌کند. برخی از بانک‌های بزرگ، به‌دلیل عدم نظارت دقیق بر فعالیت‌هایشان، ممکن است با مدیران شرکت‌ها در مقابل طلبکاران دیگر تبانی کنند و مانع مدیریت مؤثر و صحیح شوند. نقطه مقابل آنها بازارهای سرمایه یا سهام است که با جمع‌آوری اطلاعات منتشرشده و انتقال مؤثر این اطلاعات به سرمایه‌گذاران، نقش مثبتی در تأمین مالی شرکت‌ها و عملکرد اقتصادی آنها بازی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

می‌کنند. در حالت کلی، طرفداران سیستم مالی مبتنی بر بازار معتقدند که بازارها ناکارآمدی ذاتی بانک‌ها را کاهش می‌دهند و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و تولید و رشد اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی کشور می‌شوند (اصغری و همکاران، ۱۳۹۱).

درحالت کلی، در مورد میزان تأثیرگذاری نوع سیستم‌های مالی بر رشد اقتصادی، بحث و اختلاف نظرهایی بین اقتصاددانان وجود دارد. این مطالعه در تلاش است در دوره‌ی زمانی معین به بررسی میزان تأثیرگذاری سیستم مالی مبتنی بر بازار و بانک روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی بپردازد. در این مطالعه در کنار سیستم مالی به بحث اثربخشی دولت نیز پرداخته شده است.

۳. کیفیت نهادی دولت و رشد اقتصادی

بررسی الگوهای رشد

از نیمه دوم قرن بیستم تئوری‌های مختلفی برای تحلیل معمای رشد و عوامل مؤثر بر آن بیان شده است. این تئوری‌ها عبارتند از:

- مدل رشد نئو کینزین هارود[۱] - دومار[۲]
- مدل رشد نئوکلاسیکی سولو[۳]- سوان[۴]
- مدل‌های رشد درونزای رومر[۵]- لوکاس[۶]
- مدل‌های رشد نهادی و اقتصاد سیاسی (نهادگراها)

این تئوری‌ها، عوامل اصلی تعیین‌کننده رشد اقتصادی را انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و ارتقا بهره‌وری می‌دانند. اما این تئوری‌ها در تبیین دلایل تفاوت فراوان کشورها در رشد اقتصادی ناتوان بودند. براساس مطالعات نظری و تجربی، رشد کشورهای فقیر توان بالقوه فراوانی برای رسیدن به رشد کشورهای توسعه‌یافته دارند اما این کشورها در ایجاد نتایج مثبت رشد به‌دلیل فقدان و ناکارآمدی نهادهای حمایت‌کننده رشد، ناتوان بوده‌اند (رودریک[۷]، ۲۰۰۵).

[1] Harrod
[2] Domar
[3] Solow
[4] Swan
[5] Romer
[6] Locuse
[7] Rodrik

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

الگوهای رشد نئوکلاسیک نسبت به الگوهای کینزی هارود و دومار گامی رو به جلو بودند. این الگوها با دخالت‌دادن قیمت عوامل تولید و جایگزینی عوامل تولید، امکان ژرف‌تر نمودن الگوی پیشین را فراهم ساختند و توانستند تا مشکل بی‌ثباتی "لبه تیغ چاقو" را در طرح هارود دومار حل کنند (هال و جونز[1]، ۱۹۹۹).

سولو در دهه ۱۹۹۰، الگویی را توسعه داد که به‌صورت ابزار استاندارد پژوهش‌های مربوط به رشد اقتصادی درآمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهادهای عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. رشد جاری ممکن است نتیجه افزایش نهادی یک یا دو عامل تولید باشد. برون‌زا بودن عوامل رشد در چارچوب رشد نئوکلاسیکی جایی را برای سیاست اقتصادی در تأثیرگذاری آن بر نرخ تعادلی بلندمدت رشد اقتصادی در نقطه مقابل انتقال‌های کوتاه‌مدت بین حالت‌های به اصطلاح ثابت، باقی نمی‌گذارد. باوجود این، گروه سوم الگوهای رشد از سوی رومر و لوکاس مطرح شدند و نرخ رشد را به‌طور درون‌زا تعیین می‌کردند. برای مثال، فرض را بر وجود اثرهای خارجی سرمایه‌گذاری (به اصطلاح اثر سرریز) می‌گذارند، به‌طوری که ذخایر سرمایه ملی بازدهی فزاینده دارند درحالی‌که در سطح بنگاه اقتصادی، بازدهی ثابت است. با اینکه نظریه‌های جدید، رشد پایدار و پیشرفت تکنولوژی را درون‌زا تعریف می‌کنند، اما توضیح آنها از تفاوت‌های درآمدی، مشابه نظریه‌های پیش از خود است. برای نمونه، در مدل رومر یک کشور درصورتی پیشرفته‌تر از دیگری است که منابع زیادی را به اختراع‌ها و ابداع‌ها اختصاص داده باشد. اما اینکه کدام ویژگی اساسی است که دارایی و تکنولوژی را برای ایجاد نوآوری ترجیح می‌دهند، پرسشی است پیشاروی این مدل‌ها که قدرت یافتن پاسخ به آن را ندارند. الگوهای درون‌زای رشد و به تبع آن، طرح چنین پرسش‌هایی علاقه به ترتیب‌های نهادی و سیاست اقتصادی را به‌عنوان عوامل سیاسی مؤثر بر رشد اقتصادی دامن زدند. در حالت کلی ناتوانی تئوری‌های رشد اقتصادی در تبیین تفاوت‌های رشد کشورهای مختلف، منجر به ایجاد موج چهارم تئوری‌های رشد شد. نظریه‌های بیان شده تا اواخر قرن بیستم، عوامل تأثیرگذار بر رشد و مکانیزم‌های رشد را بررسی می‌کرد ولی اینکه چرا بعضی کشورها رشد سریع‌تری را نسبت به بقیه تجربه می‌کردند، توضیحی نداشت. اولین مطالعات در این زمینه توسط نورث در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت که نهادها را دلیل تفاوت توسعه‌یافتگی کشورها دانست.

[1] Hall & Jones

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مکتب نهادگراها

هنوز تعریف واضح و مشخصی در رابطه با نهاد وجود ندارد. در بین تعریف‌های مختلف می‌توان به‌تعریف نورث[1] (۱۹۹۱) بیان می‌کند "نهادها، قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به‌عبارتی سنجیده‌تر قیودی وضع شده از جانب بشر هستند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها باعث ساختارمندشدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی باشد. در یک تعبیرکلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیرعقلایی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند". بنابراین نهاد خوب می‌تواند یک ساختار انگیزشی ایجاد کند که باعث تشویق کارایی، کاهش نااطمینانی شده و به بهبود عملکرد اجتماعی و اقتصادی کمک کند. در ارتباط با ایجاد نهادهای حاکمیتی مناسب و ارتقای بخش خصوصی، دولت نقش بسیار مهمی دارد. به‌طوری‌که بسیاری از مطالعات، نهادهای دولتی را منشاء ایجاد اعتماد مردم می‌دانند. اگر دولت اقدام به وضع قوانین و مقرراتی کند که به مجازات قانون‌شکنان و حمایت از اقلیت‌ها بپردازد، به‌طوری‌که شهروندان ببینند که این نهادها به‌طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، اعتماد آنها نسبت به دولت افزایش می‌یابد و در نهایت این اعتماد متقابل باعث افزایش کارایی مردم و دولت می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۸).

وجود نهادهای کارآمد اقتصادی برای رشد اقتصادی ضروری هستند. نهادها انگیزه‌های کلیدی عوامل اقتصادی را تقویت می‌کنند و بر سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی و تکنولوژی و بر سازماندهی تولید تأثیر می‌گذارند. اگرچه عوامل فرهنگی و جغرافیایی نیز ممکن است برای عملکرد اقتصادی ضروری باشند، اختلافات در نهادهای اقتصادی منبع اصلی اختلافات بین کشوری در رشد اقتصادی و موفقیت یک کشور به حساب می‌آیند. نهادهای اقتصادی نه تنها تعیین‌کننده‌ی ظرفیت رشد اقتصادی کل یک اقتصاد هستند، بلکه تعیین‌کننده نتایج اقتصادی مختلف از جمله توزیع منابع (توزیع ثروت، توزیع سرمایه فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی) در آینده نیز هستند. جوامع زمانی به‌طور اقتصادی موفق هستند که نهادهای اقتصادی خوب داشته باشند. نهادهای اقتصادی خوب، دلیل موفقیت به حساب می‌آیند (احمدپور کچو و دهمرده، ۱۳۹۸).

نورث که سهم عمده‌ای در شناساندن متغیرهای نهادی به‌عنوان دلایل اختلافات درآمدی بین کشورها دارد، به تشریح نظریه‌های جدید درباره‌ی علت‌های رشد کشورهای توسعه‌یافته و عقب‌ماندگی کشورهای توسعه‌نیافته می‌پردازد. نورث علت فقیرماندن کشورهای جهان سوم را در عدم

[1] North

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

تشویق فعالیت‌های مولد به واسطه‌ی محدودیت‌های نهادی موجود در ساختار اقتصادی آنها می‌داند. وی هم‌چنین علل و عوامل بنیادی رشد اقتصادی را، نهادهایی می‌داند که منجر به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش بهره‌وری از طریق تخصصی‌کردن فعالیت‌ها و فرآیند مبادله می‌شوند. مسأله مهم به لحاظ اقتصادی این است که شکوفایی و توسعه نظام اقتصادی در سیر تاریخی یک جامعه، ضرورتاً نیازمند انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، ذخیره و انباشت دانش، بهبود مداوم فناوری و به‌وجودآوردن شیوه‌های جدید تولید است. این امر نیز نیازمند حاکمیت مجموعه نهادی با ثبات و با کارآیی نسبی، اجرای نهادی مطلوب و برقراری امنیت و ثبات اجتماعی-سیاسی است. هرچه چارچوب نهادی باثبات‌تر و کارآیی آن بیشتر باشد، کارکرد ساختار اقتصادی در تخصیص منابع و توزیع درآمد و ثروت کارآتر و نتیجه آن شکوفایی اقتصادی و رشد و توسعه نظام اجتماعی خواهد بود (نورث، ۲۰۰۶).

جدیدترین تعریف بانک جهانی بیان می‌کند که کیفیت نهادی عبارت است از: ۱) اتخاذ سیاست‌های از قبل تعیین‌شده، آشکار و صریح دولت که شفافیت فعالیت‌های دولت را نشان می‌دهد ۲) پاسخ‌گویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌هایشان ۳) بوروکراسی شفاف ۴) برابری همه‌ی افراد در برابر قانون ۵) مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی و ... . در حالت کلی کیفیت نهادی یک کشور، مدیریت منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده یک کشور است یا به‌عبارتی عملکرد بهینه نهادها و فرآیندها برای تأمین نیازهای جامعه در کنار بهره‌برداری بهینه از منابع موجود است که راه‌های رشد اقتصادی کشور را فراهم می‌کند. مسلماً وجود دستگاه‌های اداری کارآمد و بهینه در جامعه، از طریق ترویج عدالت اجتماعی، پاسخ‌گویی به نیازهای مردم، دسترسی عموم به خدمات با کیفیت بهداشتی و درمانی و تحصیلی و ... در عملکرد بهینه حکومت و افزایش کارآیی دولت بسیار مؤثر خواهد بود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

شاخص‌هایی که توسط بانک جهانی برای کیفیت نهادی معرفی شده‌اند عبارتند از:

الف- حق پاسخ‌گویی و اظهارنظر[1]: مفاهیمی از جمله آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات که به‌عنوان شاخص دموکراسی یاد می‌شود از جمله معرف‌های این شاخص است.

ب- اثربخشی دولت[2]: معیارهای سنجش اثربخشی و کارایی دولت عبارتند از: تصمیم‌های مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، سیاست‌گذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت از سیستم بازار، توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، کیفیت تهیه و تدارک

[1] Voice and Accountability
[2] Government Effectiveness

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران، عدالت مدیریتی و قضایی.

پ- ثبات سیاسی[۱]: این شاخص مفاهیمی چون ترور و اعدام‌های سیاسی، ناآرامی‌های اجتماعی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا را نشان می‌دهد.

ت- حاکمیت قانون[۲]: ازجمله مفاهیمی که حاکمیت قانون را می‌سنجند عبارتنداز: احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت، اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته.

ث- کیفیت قوانین و مقررات[۳]: مفاهیمی از جمله موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، دسترسی به بازارهای سرمایه و سیاست‌های رقابتی معرف کیفیت قوانین و مقررات در جامعه هستند.

ج- کنترل فساد[۴] : سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی، تعریفی است که از طرف سازمان شفافیت بین‌المللی برای فساد بیان شده است. به‌عنوان مثال اختلاس اموال عمومی، باج‌گیری در تدارکات عمومی، پرداخت رشوه به مقامات دولتی و ....

شاخص‌های بیانشده حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی کافمن، کری و لوباتون [۵] است که یافته‌های مؤسسات بین‌المللی مختلف از جمله EIU[۶] و ICRG [۷]و بنیاد هریتیج را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های جدیدی را باتوجه به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها با نام شاخص حکمرانی معرفی کرده‌اند.

به‌عبارتی کیفیت حکمرانی به کیفیت خدمات عمومی دولت و کیفیت وضع و اجرای قوانین و مقررات و تعهدهای دولتی اشاره می‌کند. با افزایش کارایی دولت، منابع درآمدی دولت نیز افزایش می‌یابد. علت این افزایش، مشارکت بیشتر مردم در تأمین هزینه‌های دولتی و کاهش فرار مالیاتی است. افزایش اثربخشی دولت و به‌دنبال آن افزایش درآمد دولت می‌تواند تأثیر مثبتی روی افزایش تولیدات صنعتی کشور داشته باشد و گامی در زمینه صنعتی‌شدن و رشد و توسعه اقتصادی باشد.

---

[1] Political stability
[2] Rule of Law
[3] Regulatory Quality
[4] Control of Corruption
[5] Kufmann, Kraay & Lobaton
[6] Economist Intelligence Unit
[7] International Country Risk Group

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

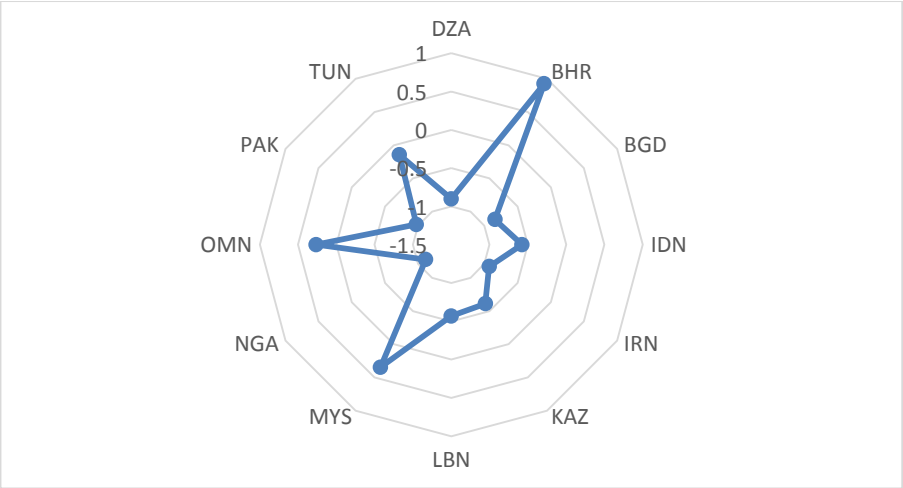
مطالعات نشان می‌دهد که فساد و ناامنی در عملکرد نهادها منجر به گسترش اقتصاد سایه‌ای[1] می‌شود. به‌عبارتی بین اثربخشی دولت و اقتصاد سایه‌ای رابطه منفی معناداری وجود دارد و افزایش کارایی دولت منجر به کاهش اقتصاد سایه‌ای شده و در نهایت شرایط رشد اقتصادی را فراهم می‌سازد. اگر شهروندان و دولت، حس مسئولیت جمعی نسبت به ساختارهای نهادی داشته باشند حکمرانی دولت نیز بهتر شده و سیاست‌ها کاراتر عمل می‌کنند و در نهایت امکان رشد و پیشرفت کشور افزایش می‌یابد (تورگلر و اشنایدر، ۲۰۰۷).

اگر شهروندان ببینند که ترجیحات‌شان در نهادهای دولتی مدنظر قرار گرفته می‌شود و میزان مورد نیاز از کالاهای عمومی را دریافت می‌کنند، رفتارشان را با دولت هماهنگ کرده و تمایل به همکاری بیشتری با دولت خواهند داشت و در نتیجه انگیزه ورود به اقتصاد سایه‌ای کاهش می‌یابد. از طرفی با افزایش فساد در یک اقتصاد، اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی کمتر می‌شود و انگیزه آنها برای فعالیت در اقتصاد سایه‌ای افزایش می‌یابد. در حالت کلی، اثربخشی دولت و کارایی آن، انگیزه انتقال به اقتصاد سایه‌ای را کاهش داده و منجربه کاهش فرار مالیاتی شده و منابع درآمدی دولت را افزایش می‌دهد. این درآمدها درصورت مدیریت صحیح می‌توانند امکان رشد و توسعه کشور را فراهم سازند.

در نمودار ۱ متوسط شاخص کیفیت نهادی را برای سال‌های ۱۹۹۶ الی ۲۰۱۷ برای کشورهای منتخب استخراج کردیم. باتوجه به نمودار، ایران در بین کشورهای منتخب وضعیت ایده‌ال ندارد.

[1] Shadow economy

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]



نمودار ۱. متوسط شاخص کیفیت نهادی برای کشورهای منتخب به‌صورت راداری

منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۱. دیدگاه اسلام در مورد کیفیت نهادی دولت

نقش دولت در نظام‌های اقتصادی مختلف، متفاوت است. در نظام سرمایه‌داری این نقش و وظیفه به حداقل ممکن رسیده است ولی در نظام سوسیالیستی مسئولیت مدیریت و سیاست‌گذاری‌های مهم اقتصادی بر عهده دولت است و نقش دولت بسیار زیاد است. در اسلام نیز نقش دولت بسیار برجسته است و دولت باید شرایطی ایجاد کند که مردم با شرایط عالیه اسلاک زندگی کنند (بناء رضوی، ۱۳۶۷).

باتوجه به تاریخ می‌توان دریافت که از زمان پیامبر(ص) و از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی مداخله دولت در اقتصاد مطرح بود و در زمان خلفا نیز ادامه داشت (موسویان، ۱۳۸۰). مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی عبارت بود از: امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی، عمران و آبادانی، تجهیز و تخصیص منابع مالی، رسیدن به اشـتغال کامـل، حفظ استقلال اقتصادی، تأمین رفاه اقتصادی و ... . باتوجه به وظایف اقتصادی دولت در اسلام، می‌توان دریافت که اسلام به عوامل نهادی و حکمرانی توجه خاصی داشته و رهنمودهایی در ارتباط با شیوه صحیح اداره کشور و رسیدن به رشد اقتصادی داده (هرچند چارچوب‌های نهادی صدر اسلام با زمان حال متفاوت است اما می‌توان شبیه‌سازی‌هایی انجام داد) که عبارتند از:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

الف- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی در صدر اسلام

درصدر اسلام، اداره امور و رهبری و نظارت کامل بر عهده پیامبر(ص) بوده است و تمام تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌ها با مشورت بزرگان صحابه انجام می‌گرفت. پیامبر(ص) در مدینه ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد صحابه خود را (اعم از انصار و مهاجرین) انتخاب کرده بود که در امور اداره حکومت، با آنها مشورت می‌کرد. هریک از این افراد از اوضاع و مسائل سایر مسلمانان مطلع بودند و ضمن کمک به پیامبر(ص)، به حل و فصل مشکلات بین انصار و مهاجرین می‌پرداختند (ابوعبید، ۱۳۸۸).

ب- اثر بخشی دولت در صدر اسلام

دولت‌ها برای رسیدن به عدالت اقتصادی و اجتماعی، در روابط اقتصادی کشور دخالت می‌کنند. در صدر اسلام برای رسیدن به عدالت اقتصادی از راهکارهای زیر استفاده می‌شد:

سعی می‌شد برای همه مردم فرصت‌های برابر در زمینه تولید و تجارت ایجاد شود- از ثروتمندان مالیات گرفته شده و به نیازمندان کمک می‌شد- از انباشته شدن ثروت‌های حرام جلوگیری می‌شد (مبارک،۱۳۹۲).

پ- ثبات سیاسی در صدر اسلام

رسیدن به ثبات سیاسی و اجتماعی، بدون آمادگی نظامی امکان پذیر نیست. در صدر اسلام، جهاد برای دعوت کشورها به اسلام انجام می‌گرفت که نیازمند دخالت دولت در اقتصاد است. پیامبر(ص) به تقویت و تشویق مجاهدان در راه اسلام اهمیت بسیاری می‌داد، بطوریکه چهار پنجم غنایم را به مجاهدان اختصاص می‌داد. از طرفی، برخی از مالیات‌هایی که در اختیار حضرت بود (مثل اموال بنی نضیر) را به خرید مرکب و سلاح اختصاص می‌داد. تمام این موارد نشانه اهمیت جهاد است(مالک، ۱۳۸۲).

در صدر اسلام، در میان اعراب اختلافات قومی و قبیله‌ای زیادی وجود داشت و برای به‌دست‌آوردن دارایی یکدیگر به جنگ و خونریزی می‌پرداختند. اسلام با برادر خواندن تمام مسلمانان و رد این تبعیض‌ها، به تمام این اختلافات پایان داد. پیامبر(ص) با ایجاد حکومت اسلامی، به مقابله با این اختلافات پرداخت و به نوعی ثبات سیاسی در جامعه برقرار کرد.

ت- حاکمیت قانون در صدر اسلام

از وظایف مهم دولت اسلامی، برقراری امنیت اقتصادی در جامعه است که به معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری است. به‌عبارتی افراد نباید هراسی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود داشته باشند. پیامبر(ص) در کنار سایر وظایف خود، به حل اختلاف میان مردم می‌پرداخت و در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

سال فتح مکه، افرادی را از جمله امام علی(ع) و محمدبن مسلمه به یمن فرستاد تا بین مردم به قضاوت و اقامه حدود الهی بپردازند (الکتانی، ج۱، ص ۴۳).

ث- کیفیت قوانین و مقررات در صدر اسلام

کیفیت قوانین و مقررات یا کیفیت بوروکراسی در صدر اسلام، از طریق تصحیح کارکرد بازار و تسهیل سازوکار بازار انجام می‌گرفت. تصحیح کارکرد بازار به معنای مجموعه‌ای از قوانین در مورد خریدار و فروشنده و دو کالای مبادله شده با هم است که باید احکام خیاراتی (در اثر غبن، عیب و نادیده خریدن پدید می‌آیند) رعایت شود (غفاری، ۱۳۸۶).

پیامبر(ص) به تسهیل سازوکار بازار توجه می‌کرد و خوش نداشت واسطه‌گرها و محدودیت‌های مصنوعی باعث افزایش قیمت‌ها و در کاهش رفاه مسلمانان شوند (مالک، ۱۳۸۲).

ج-کنترل فساد در صدر اسلام

برای کنترل فساد و منکراتی که جنبه اقتصادی دارند، نیاز اساسی به قدرت قانونی داریم. جلوگیری از منکراتی که در جامعه رواج دارند از جمله: رباخواری، احتکار، معاملات حرام و باطل مثل خرید و فروش گوشت خوک، شراب و ... از توان افراد جامعه خارج است. بنابراین در کشورهای اسلامی نیاز به ناظرانی داریم که فعالیت‌های اقتصادی را کنترل کنند. پیامبر(ص) نیز فردی را به‌عنوان ناظر و جانشین خود برای کنترل بازار مکه تعیین کردند (الکتانی، ج۱، ص ۲۵۸).

از وظایف اصلی اسلام و پیامبر(ص)، تربیت و هدایت انسان و رسانیدن او به قرب الهی است، بنابراین می‌توان با تقویت ارزش‌های معنوی افراد، از فساد جلوگیری کرد.

این مطالعه در تلاش است در دوره‌ی زمانی معین به بررسی تأثیر سیستم‌های مالی و کیفیت نهادی دولت‌ها روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی بپردازد.

مطالعات انجام‌شده

مطالعات خارجی

اسکار[1] و همکاران (۲۰۱۹) رابطه‌ی توسعه مالی و رشد اقتصادی لهستان را در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۸ مورد بررسی قرار دادند. از شاخص‌هایی چون کل سهم اعتبارات بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی-حجم اعتبارات کل و ... استفاده کرده‌اند. شواهد گزارش می‌کند که توسعه مالی

[1] Marinko ŠKARE

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

به‌ویژه نقش بانک‌ها (سهم خانوارها و شرکت‌ها در حجم کل اعتبارات) نقش به‌سزایی در رشد اقتصادی و رشد اعتبارات دارند.

سانی[1] و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه خود کیفیت نهادی، بدهی عمومی و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا را مورد مطالعه قرار دادند. نقش کیفیت نهادی را در کنار سایر متغیرها از جمله بدهی عمومی مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه معتقد است کشورهای با کیفیت نهادی بهتر، راحت‌تر می‌توانند وام بگیرند و مراحل رشد اقتصادی را طی کنند، درحالی‌که کشورهای جنوب صحرای آفریقا به‌دلیل نامطلوب‌بودن کیفیت نهادی‌شان نمی‌توانند وام دریافت کنند و رفته رفته بدهی هایشان افزایش می‌یابد. در این مقاله تأثیر بدهی عمومی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی با استفاده از رویکرد روش تعمیم‌یافته (GMM) بر روی نمونه‌ای از ۴۶ کشور جنوب صحرای آفریقا طی دوره ۲۰۰۰ - ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه تجربی نشان می‌دهد که کیفیت نهادی تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر رشد اقتصادی دارد.

رادزویکا و بولدربرگا[2] (۲۰۱۸) در مطالعه‌ی خود نقش کیفیت نهادی در رشد اقتصادی کشورهای بالتیک را مورد بررسی قرار دادند. نقش چند عامل کلیدی روی رشد اقتصادی از جمله کیفیت نهادی را طی سال‌های ۲۰۰۶- ۲۰۱۶ برای ۱۱۳ کشور به روش پنل دیتا مورد بررسی قرار دادند. شاخص‌های کیفیت نهادی عبارتند از: فهرست آزادی اقتصادی، رقابت جهانی، آزادی مالی، فساد مالی، بار مالیاتی، کیفیت نظارتی و ... . نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده تأثیر مثبت معنی‌دار کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی است.

پراساد بیست[3] (۲۰۱۸) رابطه‌ی توسعه مالی و رشد اقتصادی کشورهای آفریقایی و غیرآفریقایی کم‌درآمد بررسی کرده است. رابطه بلندمدت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی با استفاده از پنل در ۱۶ کشور منتخب با درآمد پایین برای مدت ۲۰ سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ پرداخته است. از شاخص‌های توسعه مالی، نسبت سرمایه ثابت به تولید ناخالص داخلی، درجه بازبودن اقتصاد استفاده کرده و با تجزیه و تحلیل پنل پدرونی رابطه طولانی مدت مثبت بین توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. این مطالعه از تکنیک‌های OLS پویا نیز استفاده کرده و وجود یک رابطه‌ی بلندمدت را برآورد کرده‌است.

پاتو و پیابو[4] (۲۰۱۷) توسعه بخش مالی و رشد اقتصادی کامرون و اثرات اصلاحات مالی آفریقا پرداخته‌اند. این مطالعه از داده‌های سری‌زمانی کامرون و شاخص‌های توسعه مالی از جمله: نسبت

[1] Abdullahi Sani
[2] Radzevica and Bulderberga
[3] Jagadish Prasad Bist
[4] Janice Tieguhong Puatwoe & Serge Mandiefe Piabuo

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

نقدینگی به تولید ناخالص داخلی- سپرده به تولید ناخالص داخلی و اعتبارات داخلی بخش خصوصی و روش تخمین ARDL استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت کوتاه‌مدت بین حجم پول (M2)، هزینه‌های دولت و رشد اقتصادی، و یک رابطه منفی کوتاه‌مدت بین سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی وجود دارد. اما در بلندمدت، تمام شاخص‌های توسعه مالی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

بنجینی[1] و دیگران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ی خود توسعه مالی و رشد اقتصادی را با نقش بانک‌های خارجی در کشورهای CESEE بررسی کرده‌اند. به نقش توسعه مالی در رشد اقتصادی کشورهای مرکزی، شرقی و جنوب اروپا (CESEE) در دوران پس از کمونیست (۱۹۹۵-۲۰۱۴) تمرکز دارند، که هم‌زمان با بازشدن بازارهای مالی به سرمایه‌گذاران خارجی است. روش مطالعه GMM است و با استفاده از شاخص‌های: سرمایه‌ی بازار سهام به تولید ناخالص داخلی- اعتبارات بانک‌های داخلی بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی-سهم بانک‌های خارجی در اعتبار داخلی بخش خصوصی، به این نتیجه می‌رسند که اعتبارات بانکی رشد اقتصادی را تقویت می‌کند و بانک‌های خارجی نیز به‌طور غیرمستقیم روی رشد اقتصادی مؤثر هستند.

مطالعات داخلی

شکروی و خضری (۱۳۹۶) در مطالعه‌ی خود به محاسبه شاخص توسعه‌مالی و بررسی اثرات متغیر زمانی آن بر رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های فصلی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۲ و دل خودرگرسیون برداری عامل افزوده شد FAVAR ترکیبی با مدل پارامترهای متغیر در طول زمان (TPV) اقدام به مدل‌سازی اقتصاد ایران کرده است. متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق شامل رشد اقتصادی، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی (به‌عنوان شاخص اندازه دولت)، شاخص درجه باز بودن اقتصاد(نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی)، نرخ تورم و شاخص توسعه مالی(به‌عنوان متغیر غیرقابل مشاهده)هستند. براساس نتایج تحقیق، اثر شاخص توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کل دوره مورد بررسی مثبت است.

خداپرست مشهدی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود به بررسی نقش کیفیت نهادی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته‌اند و معتقدند یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، توسعه مالی است؛ به‌طوری‌که امروزه سطح توسعه اقتصادی کشورها را سطح توسعه مالی تعیین می‌کند. از میان تمامی عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی

[1] Paolo Bongini

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

کشورها، به نقش کیفیت نهادی کمتر توجه شده است. در این مطالعه با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۰ به بررسی اثر کیفیت نهادی بر توسعه مالی پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های کلی حکمرانی (میانگین وزنی ۶ شاخص کیفیت نهادی) و کنترل فساد، ارتباط مثبت و معنی‌داری با شاخص نسبت اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی توسط بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی به تولید ناخالص داخلی دارند. همچنین شاخص اثربخشی دولت بر شاخص نسبت M_2 به تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌داری دارد.

مهرگان و احمدی قمی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ی خود به بررسی شوک‌های ارزی و بازارهای مالی پرداخته‌اند و معتقدند در پی تحریم‌های اخیر اهمیت نرخ ارز در بازارهای مالی افزایش یافته است. به‌منظور بررسی اثر شوک‌های ارزی بر بازارهای مالی ازمدل خود رگرسیون برداری پانل و داده‌های روزانه ۲۰۰۹-۲۰۱۳ استفاده کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که عکس‌العمل شاخص سهام به شوک ارزی مثبت است و در شرایط تحریم شوک ارزی در بلندمدت اثر منفی بر شاخص سهام دارد که ناشی از وابستگی تولیدات داخلی به مواد اولیه و ماشین آلات وارداتی است.

روش‌شناسی پژوهش

اطلاعات آماری و معرفی مدل

روش تحقیق مطالعه حاضر، روش علی- تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری مورد بررسی این پژوهش باتوجه به آمار و اطلاعاتی که در اختیار داریم، داده‌های اقتصادی کلان کشورهای اسلامی ایران، الجزایز، اندونزی، بنگلادش، بحرین، پاکستان، قزاقستان، لبنان، مالزی، نیجریه، عمان و تونس است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش PVAR[1] و با کمک نرم‌افزار استتا صورت گرفته است. اطلاعات مورد نیاز از WDI[2] و WGI[3] برای داده‌های بازه‌ی زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ جمع‌آوری شده است. مدل مورد بررسی در این مطالعه الهام گرفته از پراساد بیست (۲۰۱۸) و جی لین وو[4] و همکاران (۲۰۱۰) به‌صورت زیر است.

$$GDP = F(BA ,ST ,INS)$$

که در آن GDP نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت سال پایه است.

[1] Panel Vector Auto Regression
[2] World Development Indicators
[3] World Governance Indicators
[4] Jyh-Lin Wu

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

BA: از شاخص‌های توسعه سیستم مالی، شاخص سیستم مبتنی بر بانک است. این شاخص از نسبت اعتبارات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی به‌دست می‌آید. هرقدر این نسبت بالاتر باشد، ۱) سطح سرمایه‌گذاری داخلی بیشتر خواهد بود، ۲) نشان‌دهنده توسعه سیستم‌های مالی یک کشور نیز هست. در کشورهایی که پرداخت به بخش خصوصی توسط سیستم مالی مورد توجه قرار می‌گیرد، هم میزان هزینه‌های مبادله و هم میزان ریسک کاهش می‌یابد و در نتیجه تحرک پس‌انداز نسبت به سایر کشورها بالاتر خواهد بود.

ST: یکی دیگر از شاخص‌های توسعه سیستم مالی در این مقاله شاخص سیستم مالی مبتنی بر بازار بورس است. این شاخص از ارزش معاملات انجام‌شده تقسیم بر ارزش کل سهام به‌دست می‌آید.

INS: شاخص کیفیت نهادی دولت است که از WGI گرفته شده است و زیرمجموعه شاخص‌های کیفیت نهادی است. شاخص‌های کیفیت نهادی عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، کنترل فساد، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات و اثربخشی دولت.

- روش PVAR

روش‌های تخمین مدل خودرگرسیون برداری پانل، متناسب با ترکیب داده‌ها تغییر کرده و در دو گروه تقسیم‌بندی می‌شود. گروه اول داده‌های اقتصادی خرد (داده‌های پانل با N بزرگ و T کوچک) وگروه دوم داده‌های مالی و اقتصاد کلان (داده‌های پانل با N و T بزرگ) است که در آنها T اندازه سری زمانی و N تعداد مقاطع را نشان می‌دهد (کانوا و سیسارلی[1]، ۲۰۱۳).

گروه اول مربوط به داده‌های پانل با N بزرگ و T کوچک است که نمونه‌های بسیاری در اقتصاد دارند، به‌ویژه در بررسی سیاست‌گذاری‌های جدید یا در اقتصادهای نوظهور که اندازه سری‌زمانی آنها کوچک و در حدود ۱۰ یا کمتر است. در اغلب مطالعه‌ها، از روش‌های تخمین معادله تکی استفاده شده است درحالی‌که بسیاری از مطالعات کاربردی نیازمند استفاده از سیستم مدل خودرگرسیون برداری هستند. هوتلز ایکن و همکاران[2] (۱۹۸۸) برای اولین بار مدل خودرگرسیون برداری پانل را در شرایطی که اندازه سری‌زمانی کوچک بود، مورد بررسی قرار دادند. در این مدل‌ها که اندازه سری‌زمانی کوچک است نیز امکان ناپایا بودن داده‌ها وجود دارد. از دیگر مواردی که در بررسی این مدل‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، نقض فروض سازگاری روش شبه‌حداکثر

[1] Canova and Ciccarelli
[2] Holtz-Eakin, D., et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

راست‌نمایی[1] (QML) در استفاده از مدل‌های اثر ثابت است. به‌منظور غلبه بر این مشکلات روش گشتاورهای تعمیم‌یافته[2] (GMM) و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته توسعه‌یافته، روش شبه‌حداکثرنمایی اثر ثابت (FE-QML) ارائه شده است (بایندر و همکاران [3]، ۲۰۰۵).

گروه دوم مربوط به داده‌های پانل با N و T بزرگ است. بسیاری از داده‌های مالی مانند قیمت سهام، اوراق قرضه یا نرخ ارز، سری‌های زمانی با اندازه بزرگ را شامل می‌شوند. بنابراین زمانی که یک میدان داده در دسترس باشد، استفاده از رگرسیون‌های مجزا کاملاً معقول به‌نظر می‌رسد. در این حالت چهار روش برای تخمین میانگین اثر داده‌ها وجود دارد. اول، روش میانگین گروهی که در آن تخمین‌های جداگانه بر روی هر یک از مقاطع صورت گرفته و از نتایج تخمین‌ها میانگین گرفته می‌شود. دوم، پشته نمودن داده‌ها و استفاده از تخمین زننده‌های اثر ثابت یا اثر تصادفی. سوم، میانگین‌گیری بین مقاطع و تخمین سری‌زمانی انباشته و چهارم، میانگین‌گیری در طول زمان و تخمین داده‌های مقطعی انباشته است. هرچهار روش میانگین اثر داده‌ها را محاسبه می‌کنند با این تفاوت که در روش میانگین گروهی میانگین‌گیری به‌طور صریح صورت می‌گیرد، درحالی‌که در سایر روش‌ها میانگین‌گیری به شکل ضمنی اعمال می‌شود (پسران و اسمیت ۱۹۹۷).

وقتی که تمام رگرسورها اکیداً برون‌زا بوده و ضرایب به‌صورت تصادفی باشند و توزیع رگرسورها بین مقاطع مستقل از هم باشند؛ هرچهار روش تخمین میانگین اثر داده‌ها، سازگار و بدون تورش خواهند بود (زلنر[4]، ۱۹۶۹)؛ اما در اغلب موارد این اتفاق نمی‌افتد. درحالی‌که برآوردکننده میانگین گروهی، ضرایب سازگاری را در شرایطی که N و T به اندازه کافی بزرگ است، ارائه می‌کند؛ سایر روش‌ها در تخمین مدل‌های پویا، حتی درصورتی‌که T و N به سمت بی‌نهایت میل می‌کند، تخمین‌های سازگاری را نشان نمی‌دهند و تورش تخمین بسیار چشم‌گیر است. این تورم ناشی از نادیده گرفتن ناهمگنی‌های بین مقاطع بوده که موجب همبستگی سریالی بین جملات اختلال‌شده و در نتیجه، برآوردهای ناسازگاری را در مدل‌های پویا ارائه می‌کند (پسران و اسمیت، ۱۹۹۷).

[1] Quasi Maximum Likelihood
[2] Generalized Method of Moments
[3] Binder et al
[4] Zellner, A.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

نتایج تجربی مدل

نتایج آزمون ریشه واحد و هم‌انباشتگی

ازجمله مواردی که لازم است در برآورد الگو مورد بررسی قرار گیرد، آزمون پایایی متغیرها است. ابتدا آزمون ریشه واحد متغیرهای موجود در الگو با استفاده از آزمون دیکی فولر[1] مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌گردد، متغیرهای مدل با سطح احتمال ۵ درصد با یک‌بار تفاضل‌گیری معنی‌دار و پایا هستند. به‌عبارتی تمامی متغیرها I(1) هستند.

جدول ۱. آزمون پایایی متغیرها با استفاده از آزمون دیکی فولر

متغیر	آماره t	احتمال	پایایی	متغیر	آماره t	احتمال	پایایی
BA	-۰/۷۵۴۱	۰/۶۵۴۷	ناپایا	GDP	-۱/۶۵۷۲	۰/۸۴۵۱	ناپایا
DBA	-۳/۵۱۴۲	۰/۰۰۱۱	پایا	DGDP	۲/۹۸۷۰-	۰/۰۰۲۴	پایا
ST	-۰/۵۱۴۸	۰/۵۴۲۶	ناپایا	INS	۴/۹۴۷۸-	۰/۳۳۴۸	ناپایا
DST	۳/۵۱۹۲-	۰/۰۰۱۲	پایا	DINS	-۷/۱۱۴۹	۰/۰۰۰۰	پایا

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور تعیین مرتبه مدل از حد بحرانی آکائیک [2] استفاده شده است که این روش هفت وقفه را پیشنهاد می‌کند. باتوجه به اینکه تمامی متغیرها هم‌جمع از مرتبه یک I(1) هستند، ابتدا وجود بردار هم‌انباشتگی بین متغیرها، با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی یوهانسن و یوسیلیوس[3] بررسی شده است. نتایج آزمون هم انباشتگی در جدول ۲ نشان داده شده است. براساس آزمون اثر و آزمون حداکثر مقدار ویژه، وجود سه بردار همجمعی میان متغیرها با احتمال ۵ درصد تأیید می‌شود. از این‌رو، با در نظر گرفتن حداکثر سه بردار هم‌جمعی، متغیرها هم‌انباشته و دارای رابطه بلندمدت هستند.

[1] Dickey-Fuller
[2] Akaike
[3] Johansen & Juselius Approach

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول ۲. نتیجه آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون

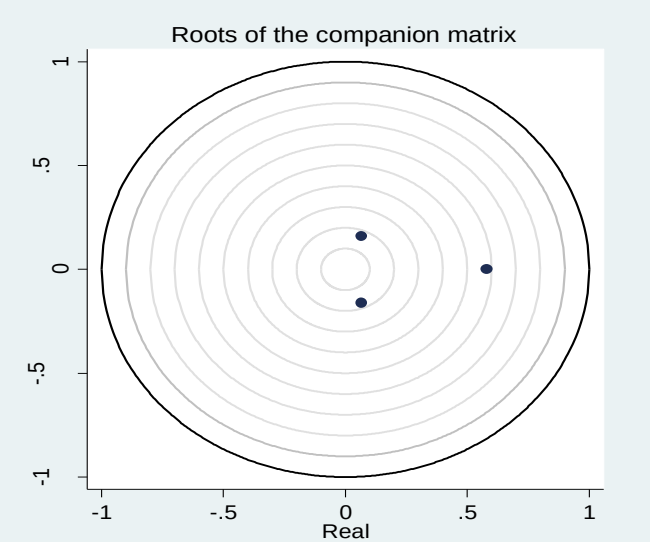
تعداد همجمعی	آزمون اثر		آزمون حداکثر مقادیر ویژه	
	آماره	مقدار بحرانی	آماره	مقدار بحرانی
صفربردارهمجمعی	۱۹۹/۸۴۵۱	۷۰/۷۴۱۹	۶۷/۰۴۹۰	۳۱/۷۵۱۲
حداکثریک بردارهمجمعی	۱۴۹/۸۴۷۸	۴۵/۹۸۴۲	۵۵/۸۹۸۰	۲۵/۶۵۹۲
حداکثر دو بردارهمجمعی	۹۵/۰۴۵۸	۳۰/۸۴۵۲	۴۰/۶۳۷۴	۲۰/۱۳۱۶
حداکثرسه بردارهمجمعی	۴۹/۴۶۵۲	۱۶/۳۴۹۵	۳۰/۴۲۵۶	۱۵/۲۶۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل توابع واکنش آنی

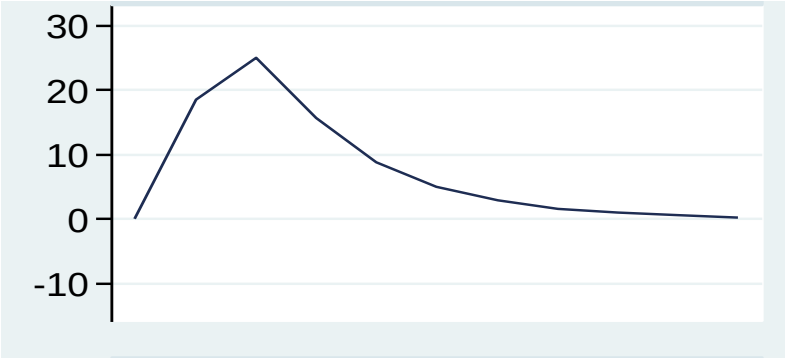
در این بخش با استفاده از توابع واکنش آنی تجمعی و تجزیه واریانس به بررسی اثر شوک‌های مطالعه روی رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. شرط ثبات در مدل خودرگرسیون برداری در داده‌های تابلویی این است که ریشه‌های ماتریس در داخل دایره واحد قرار گیرد که در نمودار ۱ دیده می‌شود. توابع واکنش آنی رفتار پویای متغیرهای دستگاه را در طول زمان به هنگام بروز یک شوک به اندازه یک انحراف معیار نشان می‌دهد. نمودارهای زیر عکس‌العمل GDP (رشد اقتصادی) را به انحراف معیار شوک‌های مطالعه نشان می‌دهد. نمودار ۲ واکنش GDP به سیستم مالی مبتنی بر بانک را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار نیز واضح است، عکس‌العمل رشد اقتصادی تا دوره‌ی سوم روند صعودی و افزایشی دارد و بین دوره‌ی دوم و سوم به حداکثر خود می‌رسد و پس از آن واکنش نزولی از خود نشان می‌دهد و در پایان دوره‌ی دهم به صفر میل می‌کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]



نمودار ۲. گراف مقادیر ویژه آزمون شرط ثبات الگو

منبع: یافته‌های تحقیق

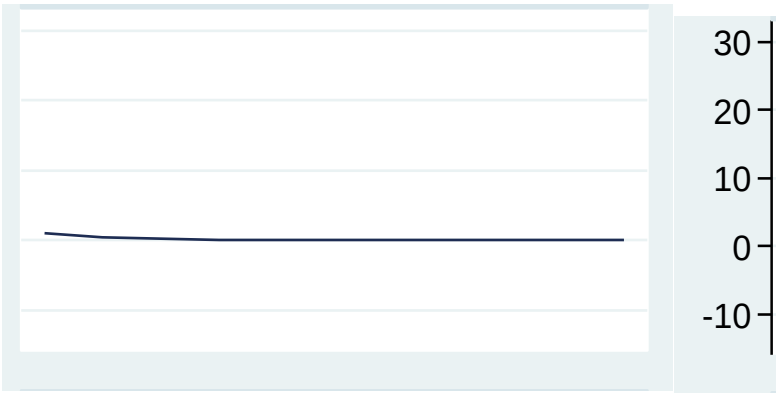


نمودار ۳. عکس‌العمل و واکنش رشد اقتصادی به سیستم مالی مبتنی بر بانک

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۳ عکس‌العمل رشد اقتصادی را به سیستم مالی بر مبنای بازار بورس را نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود عکس‌العمل رشد اقتصادی به بازار بورس ملایم و ناچیز است. به‌طوری‌که از دوره‌ی اول تا دهم نمودار ضربه واکنش رشد اقتصادی به این شوک حالت نسبتاً افقی دارد و عکس‌العمل رشد اقتصادی محسوس نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]



نمودار۴. عکس‌العمل رشد اقتصادی به سیستم مالی بر مبنای بازار بورس

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۴ عکس‌العمل رشد اقتصادی را به کیفیت نهادی دولت نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل دیده می‌شود، واکنش رشد اقتصادی به کیفیت نهادی دولت تا دوره‌ی دوم نزولی است و در پایان دوره‌ی دوم به کمترین مقدار خود می‌رسد و سپس این واکنش حالت صعودی به خود می‌گیرد و افزایش می‌یابد و در پایان دوره‌ی دهم به صفر میل می‌کند.



نمودار۵. عکس‌العمل رشد اقتصادی به کیفیت نهادی دولت

منبع: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

تجزیه واریانس

درحالی‌که توابع واکنش آنی بیانگر عکس‌العمل یک متغیر درون‌زا طی زمان به تغییرات ناشی از متغیر دیگر سیستم است، تجزیه واریانس سهم هر متغیر در واریانس متغیر درون‌زای سیستم را اندازه‌گیری می‌کند. به‌عبارتی روش دیگر برای توصیف رفتار پویای یک مدل روش تجزیه واریانس است. با استفاده از تجزیه واریانس می‌توان بررسی کرد که تغییرات خطای پیش‌بینی یک متغیر تا چه اندازه ناشی از اجزای اخلال خود و تا چه حد ناشی از تغییرات سایر جملات اخلال مدل بوده است. جدول ۳ تجزیه واریانس متغیرهای مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج حاصل از تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی رشد اقتصادی

دوره	انحراف معیار	GDP	BA	ST	INS
۱	۰/۴۱	۱۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۲	۰/۴۴	۹۹/۰۳	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۷۹
۳	۰/۵۲	۹۵/۴۴	۱/۶۷	۰/۳۷	۲/۵۹
۴	۰/۵۴	۹۵/۱۸	۱/۸۰	۰/۴۸	۳/۱۱
۵	۰/۵۶	۹۴/۵۲	۱/۸۹	۰/۴۶	۳/۱۲
۶	۰/۵۶	۹۴/۳۵	۱/۹۹	۰/۵۲	۳/۳۳
۷	۰/۵۷	۹۴/۱۵	۱/۹۸	۰/۵۳	۳/۳۶
۸	۰/۵۷	۹۴/۰۹	۲/۵۵	۰/۵۳	۳/۳۹
۹	۰/۵۷	۹۴/۰۴	۲/۰۳	۰/۵۳	۳/۴۱
۱۰	۰/۵۷	۹۴/۰۱	۲/۰۶	۰/۵۳	۳/۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود در دوره‌ی اول (کوتاه‌مدت) ۱۰۰ درصد نوسانات توسط خود متغیر توضیح داده می‌شود، که این روند طی دوره‌های بعد کاهش می‌یابد و در نهایت در دوره‌ی دهم به ۹۴/۰۱ درصد می‌رسد. کیفیت نهادی دولت هم در ابتدا صفر درصد از تغییرات رشد اقتصادی را توضیح می‌دهد. این روند در طول دوره افزایش می‌یابد و در دوره‌ی دهم (بلندمدت) ۳/۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. در حالت کلی تأثیر این متغیر روی رشد اقتصادی نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است و بایستی تمرکز بیشتری روی این تکانه وجود داشته باشد. میزان تغییرات وارده بر سیستم مالی مبتنی بر بانک نیز در ابتدا برابر صفر است و این متغیر در سال‌های بعد روند افزایشی ملایمی را طی می‌کند و در بلندمدت ۲/۰۶ درصد از تغییرات رشد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی را توضیح می‌دهد. مقدار تغییرات سیستم مالی بر مبنای بورس در دوره‌ی اول صفر است که این رقم در دوره‌ی سوم به ۰/۳۷ درصد می‌رسد. تأثیر این متغیر روی رشد اقتصادی دارای نوسان کمی است و در نهایت در دوره‌ی دهم به ۰/۵۳ درصد می‌رسد. به‌عبارتی در بلندمدت شاخص‌های کیفیت نهادی دولت، سیستم مالی مبتنی بر بانک و سیستم مالی مبتنی بر بورس به ترتیب ۳/۴۴ ، ۲/۰۶ ، ۰/۵۳ درصد از تغییرات رشد اقتصادی را توضیح می‌دهند.

نتیجه گیری

درحال حاضر رسیدن به رشد اقتصادی، از اهداف بسیار ضروری و حیاتی اکثر کشورهاست. کیفیت نهادی دولت از جمله متغیرهای تأثیرگذار روی رشد اقتصادی است. این شاخص به کیفیت خدمات عمومی دولت اشاره دارد و کیفیت وضع و اجرای قوانین و مقررات و تعهدهای دولتی را اندازه‌گیری می‌کند. با افزایش کارایی دولت، منابع درآمدی دولت نیز افزایش می‌یابد. علت این افزایش، مشارکت بیشتر مردم در تأمین هزینه‌های دولتی و کاهش فرار مالیاتی است. افزایش اثربخشی و کیفیت نهادی دولت و به دنبال آن افزایش درآمد دولت می‌تواند تأثیر مثبتی روی افزایش تولیدات کشور داشته باشد و گامی در زمینه رشد و توسعه کشور باشد. درحالت کلی اثربخشی قوی و کیفیت نهادی سالم و خوب می‌تواند رشد اقتصادی کشور را تقویت کند. در کنار کیفیت نهادی دولت، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی سیستم‌های مالی است. می‌توان سیستم‌های مالی را به سه مورد تقسیم کرد: ساختار یا سیستم مالی مبتنی بر بازار و بانک و خدمات. در این مطالعه تمرکز ما روی سیستم مالی مبتنی بر بانک (سیستم مالی بانک محور) و سیستم مالی مبتنی بر بازار (سیستم مالی بازار محور) است. نظریه سیستم مالی مبتنی بر بازار به مزیت‌های استفاده از بازارهای با عملکرد خوب اشاره می‌کند و مشکلات سیستم مالی مبتنی بر بانک را بیان می‌کند. در سیستم‌های مبتنی بر بازار، بازارهای سهام نقش وسیع‌تری دارند و بخش قابل‌توجهی از نیازهای مالی شرکت‌ها را (به‌جای استقراض از بانک‌ها) تأمین می‌کنند. نقطه مقابل، نظریه سیستم مالی مبتنی بر بانک است که وابستگی شدید شرکت‌ها به بانک‌ها (جهت تأمین مالی‌شان) را نشان می‌دهد. در سیستم مالی مبتنی بر بانک (سیستم مالی بانک محور)، بانک‌ها نقش انحصاری دارند و وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را به مشتریان ارائه داده و خدمات بانکی از جمله بانکداری تجاری، بانکداری سرمایه‌گذاری و تخصصی را در اختیار عموم قرار می‌دهند. این سیستم نقش مثبت بانک‌ها را توضیح می‌دهد. درحالت کلی در این مطالعه، رابطه کیفیت نهادی دولت و سیستم مالی با رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری پانل برای دوره‌ی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

زمانی ۱۹۹۶- ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق، سیستم مالی مبتنی بر بانک و کیفیت نهادی دولت تأثیر بیشتری روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی دارند. در بلندمدت اثربخشی و کیفیت نهادی دولت، سیستم مالی مبتنی بر بانک و سیستم مالی مبتنی بربازار بورس به ترتیب ۳/۴۴ ، ۲/۰۶ ، ۰/۵۳ درصد از تغییرات رشد اقتصادی را توضیح می‌دهند. این نتیجه با مطالعات تجربی انجام شده نیز سازگار است، به‌طوری‌که در اکثر مطالعات تجربی انجام شده کیفیت نهادی دولت تأثیر بالایی روی رشد کشورهای اسلامی دارد. درواقع اثربخشی دولت و کیفیت نهادی بالا منجر به رشد اقتصادی می‌شود ولی با آسیب‌زدن به کیفیت نهادی مانند کاهش حق اعتراض و پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و همچنین افزایش فساد، میزان رشد اقتصادی را کاهش می‌یابد. از طرفی سیستم مالی بر مبنای بورس درصد پایینی از تغییرات رشد اقتصادی کشورهای اسلامی منتخب را توضیح می‌دهد، متغیر بورس از نظر داده و اطلاعات نیز در کشورهای اسلامی دچار مشکل است و بسیاری از کشورهای اسلامی اطلاعات مربوط به بورس را ندارند. توجه ناکافی به سیستم مالی بر مبنای بورس در این کشورها باعث کم‌رنگ شدن بورس در رشد اقتصادی می‌شود، درحالی‌که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته باتوجه و تمرکز و سرمایه‌گذاری صحیح در بورس منجر به افزایش رشد اقتصادی شده‌اند. سیاست‌گذاران کشورهای درحال‌توسعه از جمله ایران، باید توجه ویژه‌ای به کیفیت نهادی و سیستم‌های مالی داشته باشند و در تصمیمات خود این را مد نظر داشته باشند که اندازه و جهت تأثیرگذاری این موارد معمولاً مثبت و قابل‌توجه است. افزایش کارایی دولت در اجرای سیاست‌های مناسب، افزایش حق اعتراض مردم و پاسخ‌گویی مسولین دولت به مردم، افزایش حاکمیت قانون در بین افراد جامعه و کنترل فساد و از طرفی توسعه‌ی سیستم‌های مالی در کشورهای اسلامی می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی در این کشورها منجر شود و کشورهای اسلامی از جمله ایران رشد اقتصادی بالاتر و پایدارتری را تجربه کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

منابع

۱. ابوعبید، قاسم بن سلام، (۱۳۸۸ ق). الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.

۲. احمدپور کچو، علی و دهمرده، نظر (۱۳۹۸). اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیست و ششم، شماره۱۷، بهار – تابستان، صص ۳۳-۶۲.

۳. اصغری، مریم؛ کاراوند، عباس و زمانی، زهرا (۱۳۹۱). "مقایسه تأثیر سیستم‌های مالی بانک محور و بازار محور بر کیفیت محیط زیست مطالعه موردی کشورهای منتخب اتحادیه اروپا و خلیج فارس"، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱-۳۲.

۴. الکتانی ، شیخ عبدالحی، التراتیب الاداریه، بیروت: دارالکتاب العربی، ص ۴۳.

۵. باقری، محمود؛ شارع‌پور، محمود و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر نگرش به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی در میان شهروندان شهر شیراز (بررسی تجربی نظریه‌های نهادمحور). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان، صص ۲۸۷-۳۱۵.

۶. بناء رضوی، مهدی (۱۳۶۷). "طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی"، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

۷. خداپرست مشهدی، مهدی؛ فلاحی، محمدعلی و رجب‌زاده مغانی، ناهید (۱۳۹۵). "بررسی نقش کیفیت نهادی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی"، دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی(دانش وتوسعه سابق) دوره جدید، سال بیست و سوم، شمارهٔ ۱۱ ، بهار و تابستان، صص ۲۶-۴۵.

۸. ذوالقدر، حمید؛ اصغرپور، حسین؛ پورعبادالهان، محسن؛ سلمانی، بهزاد و اسداله فرزین‌وش (۱۳۹۸). "بررسی نقش مالکیت بانک‌ها در اثرگذاری اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی"، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۵-۳۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۹. شکروی، سمیه و خضری، محسن (۱۳۹۶). "محاسبه شاخص توسعه مالی و بررسی اثرات متغیر زمانی آن بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل TPV-FAVAR"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۶ ، صص ۳۱۵-۳۴۱.

۱۰. ۹- عبادی، جعفر و نیکو نسبتی، علی (۱۳۹۱). منابع طبیعی، نهادها و رشد اقتصادی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۲۷-۱۴۴.

۱۱. غفاری، هادی (۱۳۸۶). "نظام اقتصادی صدر اسلام"، انتشارات دانشگاه پیام نور، سال هفدهم، شماره ۴۵، صص ۵۷-۷۰.

۱۲. فتحی‌زاده، حسین؛ نونژاد، مسعود؛ حقیقت، علی و امینی‌فرد، عباس (۱۳۹۹). "رابطه بین رشد اقتصادی، شدت انرژی و توسعه مالی در بخش‌های اقتصاد ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دهم، شماره ۴۰، پاییز، صص ۵۵-۷۶.

۱۳. مالک، محمدرضا (۱۳۸۲). "وظایف و مسئولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۷-۲۰.

۱۴. مبارک، اصغر (۱۳۹۲). "بررسی اثرات فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی (با تأکید بر اقتصاد ایران)"، دانش حساب‌رسی، دوره ۱۳، شماره ۵۳، صص ۱۸۵-۲۰۹.

۱۵. مبارک، اصغر؛ هژبرکیانی، کامبیز؛ معمارنژاد، عباس و پیکارجو، کامبیز (۱۳۹۷). مطالعه تأثیر کیفیت نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال بیست و سوم، شماره ۱، بهار، صص ۱۱۷-۱۴۶.

۱۶. موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین (۱۳۹۶). "نظریه تکاملی بانکداری اسلامی: از توجیه بهره بانکی تا نظام‌سازی الگوی ایده آل"، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۱، زمستان، صص ۷-۲۷.

۱۷. موسویان، سیدعباس، (۱۳۸۰). "عدالت؛ محور آموزه‌های اقتصادی اسلام"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۸-۴۰.

۱۸. مهرگان، نادر و احمدی قمی، محمد علی (۱۳۹۴). شوک‌های ارزی و بازارهای مالی: کاربردی از مدل خودرگرسیون برداری پانل (panel var)، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۷۵، پاییز، صص ۱۰۳-۱۳۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

19. Binder, M., Hsiao, C., Pesaran, M.H. (2005), Estimation and Inference in Short Panel Vector Autoregression with Unit Roots and Cointegration, Econometric Theory, Vol. 21 (4), 795-837.
20. Canova, F.; Ciccarelli, M. (2013), Panel vector autoregressive models: A survey, Advances in econometrics, Vol. 32, 205-246.
21. Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999), Why do some countries produce so much more output per worker than others? The role of Institutional quality, The Quarterly Journal of Economic, 114(1): 83-116.
22. Jagadish Prasad Bist (2018) . Financial development and economic growth: Evidence from a panel of 16 African and non-African low-income countries, *Cogent Economics & Finance* , First Published: 09 March 2018.
23. Janice Tieguhong Puatwoe and Serge Mandiefe Piabuo (2017), Financial sector development and economic growth: evidence from Cameroon, Financial Innovation,s40854-017-0073.
24. Jyh-Lin Wu, Han Hou, Su-Yin Cheng (2010), The dynamic impacts of financial institutions on economic growth: Evidence from the European Union, Journal of Macroeconomics 32 (2010), 879-89.
25. Levine, R., (2002), "Bank base and Market Base Financial System,Which is Better? ", Journal of Financial Intermediations, 11(4), 398-428.
26. North, D. C. (1991). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge (UK): Cambridge University Press.
27. North, D. C., (2006), Understanding the Proces of Economic Change, Princeton University Press,
28. Paola Bongini**,** Małgorzata Iwanicz-Drozdowska ,Paweł Smaga and Bartosz Witkowski,(2017), Financial Development and Economic Growth: The Role of Foreign-Owned Banks in CESEE Countries**,** Sustainability, 335.
29. Pesaran, M. H. & B. Pesaran. (1997)*Working With Microfit 4.0: An Introductive* Introduction to *Econometrics*.
30. Radzevica,A. & Bulderberga,K. (2018). The Role of Institutional Quality in Economic Growth:Implications for the Baltic States. Stockholm school of economics. 587-677.
31. Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2005). Institutions Rule: the Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development. Journal of Economic Growth, 9(2): 131-165.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

32. Sani,A. , Said,R. , Wana Ismail,N. , Mazlan, N. (2019). Public Debt, Institutional Quality and Economic Growth in Sub-Saharan Africa, *Institutions and Economies*, Vol. 11, No. 3, pp. 39-64.
33. ŠKARE,M., SINKOVIĆ,D., PORADA-ROCHOŃ,M.(2019). Technological and Economic Development of Economy, Volume 25 Issue 2: 103–133.
34. Shaw, E.S (1973), Financial Deepeninig in Economic Development, New York: Oxford University Press.
35. Torgler, B, Schneider, F(2007a). The Impact of Tax Morale and Institutional Quality on the Shadow Economy, IZA Discussion Paper, 2541.
36. Zelner, A., (1969), Stock Markets, Banks and Economic Growth. American Economic Review 88, pp: 537-558.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]